

دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
مرکز اهواز

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

شعرای محلی سرای شوشتر

دانشجو:

صدیقه جعفری نیا

استاد راهنما:

مهدی کدخدای طراحى

استاد مشاور:

سید عبدالمجید امام

صورتجلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خانم / آقای: سید علی محمدی نیا

دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی: ۸۸۰۲۷۲۲۸۵

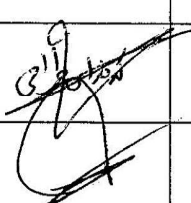


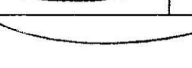
تحت عنوان: سخرای محلی سرای ۲

با حضور هیات داوران در روز پنجم مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ ساعت ۱۰

در محل تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور استان خوزستان مرکز اهواز برگزار شد و هیات

داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۹/۵ به

حروف نوزده و نیم با درجه ب تشخیص داد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه دانشگاهی	امضاء
۱	دکتر شایطی	استاد راهنما	استادیار	
۲	سرید عبدالصمدی نام	استاد مشاور	مربی	
۳	آذربیدخت رکنی	استاد داور	استادیار	
۴	علی محمد آنتی فروز	نماینده تحصیلات تکمیلی	"	

تقریباً به دو سده اخیر گویند هر صدر

سپاس‌گزاری

بنده خود را موظف می‌دانم از تمامی اساتید بزرگوار که در این پژوهش مرا یاری نموده‌اند و از دانسته‌ها و راهنمایی‌های ایشان بهره‌جسته‌ام سپاسگزار می‌نمایم، از جمله از اساتید راهنمای خود آقای کدخدای طراحی و استاد مشاور خود آقای سید عبدالمجید امام‌کمال تشکر را دارم.

همچنین وظیفه دارم از شاعران محترمی که در امر تهیه و نگارش این پژوهش آثار خود را در اختیار اینجانب قرار داده‌اند تشکر نمایم.

از جمله از آقای سجادی که کتاب‌های «کلمه‌ت» و «ولووهی» را در اختیار اینجانب قرار دادند و همچنین از آقای محب‌به‌خاطر که کتاب‌های «حرف حساب شوستر» و «بزم عارفانه» و همچنین آقای آذیان که نمونه‌ای از اشعار خود را که هنوز چاپ نشده از راه لطف در اختیار اینجانب قرار داده‌اند سپاسگزار می‌نمایم.

چکیده

تغییر و دگرگونی که در زندگی مردم رخ می دهد، پیدایی وسایلی که جابجایی انسان را آسان می سازد، رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی، همگی سبب نزدیک شدن افکار و شیوه های بین مردم به یکدیگر شده و از ویژگی های گویش ها کاسته است. بسیاری از اصطلاحات به علت بیرون رفتن مصادیق آنها از زندگی مردم، برای اهل گویش، بیگانه و ناآشنا شده است. در سروده های شاعران محلی سرای، اصطلاحات محلی و نام ها و تعبیراتی به چشم می خورد که اندک اندک از گویش مردم شوشتر بیرون رفته، اما ذوق های سلیمی همچون ذوق شاعران شیرین گفتار ما، با آوردن اصطلاحاتی از بازی ها، خوراکی ها و تعبیراتی از وسایل زندگی، شادی ها و غمهای مردم در سروده های خود حافظ و نگهدار گویش شوشتری شده اند. هدف از این پژوهش، ایجاد زمینه ای بوده است برای تدوین تاریخ ادبیات محلی، معرفی میزان هنر شاعران محلی سرای شوشتر و استخراج بخشی از لغات کهن فارسی که در شعر این شاعران بکار رفته و در گویش شوشتری کاربرد دارد اما در زبان فارسی استعمال ندارد. فصل اول این پایان نامه مختصری است درباره ی تاریخ و جغرافیای شوشتر از نظر موقعیت جغرافیایی، آب و هوایی، تاریخ بنای شوشتر و وجه تسمیه آن و مشاهیر و بزرگان شوشتر. در فصل دوم به نظام آوایی گویش شوشتری، شامل صامت ها و مصوت های گویش شوشتری پرداخته شده است. در فصل سوم دگرگونی های آوایی گویش شوشتری، شامل: ابدال، قلب، تخفیف، افزایش و ادغام بررسی شده است. در فصل چهارم شاعران محلی سرای شوشتر که عبارتند از: ملاصالح، ملاحسن شوشتری، محمدباقر نیرومند، عیدی شیرافکن، عیسی سجادی، محمدباقر محب زاده، حسن آذریان، غلامرضا موذن و محمدعلی مهدی آبادی معرفی شده اند و اشعار آن ها از لحاظ محتوا و سبک و موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. برای سهولت در خواندن و درک بهتر اشعار شوشتری موجود در این پژوهش، اشعار به فارسی ترجمه شده و به صورت آوانگاری آورده شده اند. در پایان واژه نامه ای از لغات شوشتری موجود در این پژوهش آورده شده است.

کلید واژه: شاعران، شعر، شوشتر، گویش شوشتری

«حروف آوانگاری»

<i>r</i>	ر	<i>a</i>	مصوت کوتاه —
<i>ž</i>	ژ	<i>e</i>	مصوت کوتاه —
<i>s</i>	س، ث، ص	<i>o</i>	مصوت کوتاه —
<i>š</i>	ش	<i>â</i>	مصوت بلند آ
<i>c</i>	ع	<i>i</i>	مصوت بلند ای
<i>γ</i>	غ	<i>u</i>	مصوت بلند او
<i>f</i>	ف	<i>ow</i>	مصوت مرکب — و
<i>q</i>	ق	<i>b</i>	ب
<i>k</i>	ک	<i>p</i>	پ
<i>g</i>	گ	<i>t</i>	ت، ط
<i>l</i>	ل	<i>j</i>	ج
<i>m</i>	م	<i>č</i>	چ
<i>n</i>	ن	<i>h</i>	ح
<i>v</i>	و	<i>x</i>	خ
<i>h</i>	ه	<i>d</i>	د
<i>y</i>	ی	<i>z</i>	ز، ذ، ض، ظ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	فصل اول- مختصری درباره تاریخ و جغرافیای شوشتر و مشاهیر آن
۴	موقعیت جغرافیایی شوشتر
۵	آب و هوای شوشتر
۹	تاریخ بنای شوشتر و وجه تسمیه آن
۱۲	بزرگان و شخصیت های شوشتر
۱۸	فصل دوم- نظام آوایی گویش شوشتری
۲۰	صامتها
۲۱	مصوتها
۲۳	فصل سوم- دگرگونی های واجها در گویش شوشتری
۲۴	ابدال
۴۰	قلب
۴۱	تخفیف
۴۷	افزایش
۵۰	فصل چهارم- شاعران محلی سرای شوشتر
۵۱	ملا صالح شوشتری
۵۶	ملاحسن شوشتری
۷۱	محمدباقر نیرومند
۸۱	نوذر شیرافکن

۹۰ عیسی سجادی
۹۸ حسن آذریان
۱۰۵ محمداقبر محب زاده
۱۱۳ حاج غلامرضا مؤذن
۱۲۳ محمدعلی مهدی آبادی (صالحه)
۱۳۵ واژه نامه
۱۴۴ منابع

مقدمه

منت و سپاس خدای یکتا را که به انسان خلعت هستی پوشانید و علاقه ی زادگاه و وطن را در دل او به ودیعت نهاد و درود بر خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله - که ضمن دستورات حیات بخش خود حب وطن را به ما توصیه فرموده و سلام بر آل اطهارش که پیشوایان راستین و رهبران ما به راه حقند.

خوزستان تاریخ دیرینه دارد. به این دلیل که مردمی سخت کوش و مقاوم و پرحوصله در آن ساکن بوده اند. مردم خوزستان به یاری مواهب الهی، خاک زرخیز، رودخانه های پرآب و هوای مساعد افتخارات تاریخی آفریده اند. امروزه حتی تماشای آسیاب ها و بستر آبشارهای شوشتر هر تماشاگر ایرانی را غرق در غرور می کند.

تغییر و دگرگونی که در زندگی مردم رخ می نماید و به دلیل اشاعه ی رسانه های گروهی، اکثر گویش های محلی در حال نابود شدن و از میان رفتن هستند، جای سپاس است که مردم کوشای خوزستان به انگیزه ی علاقه به زادگاه خود، درباره ی تاریخ، جغرافیا، عادات و رسوم، آثار باستانی، علما، شعرای خوزستان، کتاب های ارزنده ای نوشته اند و نسبت به سرزمین اجدادی خود ادای دین کرده اند.

«در گوشه و کنار شهر شوشتر مردان و زنانی نمونه و اسوه وجود داشته و دارند که متأسفانه بسیاری از آنها گمنام زندگی کرده اند و می کنند و گمنام تر می میرند و سالیانی چند پس از درگذشتشان تازه پی به اهمیت وجود این ستارگان می برند» (نیرومند، ۱۳۸۴، ص نوزده مقدمه).

شاعران محلی سرای شوشتر نیز ستارگانی بوده و هستند که فرهنگ، زبان، آداب و رسوم شهر خود را به خوبی در شعرشان بیان کرده اند و عمر شریف خود را در راه خدمت به فرهنگ شهر خود صرف کرده اند و باید با یاد کردن از آنها و بهره گیری از آثارشان باعث بقای فرهنگ شهرمان شویم و از زحماتشان قدردانی کنیم. یکی از پژوهش های ضروری بررسی ادبیات هر شهری است به ویژه تحقیق در گویش محلی و شعری که شاعران محلی سرای سروده اند. شوشتر یکی از شهرهایی است که شاعران محلی سرای بسیاری داشته و دارد اما متأسفانه نه زندگی آنان به درستی بررسی شده و نه شعرشان.

در این پژوهش سعی بر آن است تا معلوم شود که شاعران محلی سرای شوشتر چه کسانی هستند و چه معلوماتی داشته اند و از دانسته هایشان چه بهره ای در شعر خود برده اند. و دوم این که

مضامین شعرشان بیشتر حول چه محورهایی است. سوم این که به کدامیک از آرایش های کلام بیشتر توجه داشته اند و نیز به نکات برجسته دستوری موجود در شعرشان پرداخته شود. همچنین در این پژوهش به استخراج بخشی از لغات کهن پارسی که در شعر این شاعران بکار رفته و هنوز در گویش شوشتری کاربرد دارد اما در زبان فارسی استعمال ندارد پرداخته شده است.

شاعران محلی سرای شوشتر از زندگی نسبتاً ساده ای برخوردار بوده اند زیرا از طبقات متوسط جامعه برخاسته اند. در شعر این شاعران مسایل اجتماعی با زبانی طنزآمیز مطرح شده است. این شاعران، به ویژه ملاحسن شوشتری، از صنایع لفظی و معنوی مانند جناس، ایهام و تلمیح جهت تأثیر بخشی به کلام خود بهره برده اند.

در این پژوهش برای سهولت در خواندن و مفاهیم اشعار محلی، ابیات به فارسی ترجمه و حرکت گذاری شده است. همچنین ابیات به صورت آوانگاری نوشته شده است که خوانندگان محترم هنگام مطالعه به معانی و مفاهیم اشعار بیشتر نزدیک شوند و راحت تر بتوانند این اشعار را مطالعه کنند.

شایان ذکر است که شعری که در این پژوهش نامبرده شده اند، تنها شاعران محلی سرای شوشتری نیستند، بلکه شاعران بسیاری هستند که یا شناخته نشده اند و یا آثاری از ایشان در دست نگارنده نبوده است.

در پایان امیدوارم علاقه مندان به پژوهش در گویش های محلی، دوستداران شعر گویشی و محققان ادبیات محلی بتوانند از این پژوهش بهره ی شایسته ببرند.

فصل اول (معرفی شوشتر)

- ۱- موقعیت جغرافیایی شوشتر
- ۲- آب و هوای شوشتر
- ۳- تاریخ بنای شوشتر و وجه تسمیه آن
- ۴- بزرگان و شخصیت های شوشتر

۱- موقعیت جغرافیایی شهرستان شوشتر

«شهرستان شوشتر یکی از شهرستانهای شمال استان خوزستان می باشد که مساحتش ۳۴۴۰ کیلومتر مربع، و مرکز آن شهر قدیمی و تاریخی شوشتر است. که در طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۰ دقیقه ی شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۰ دقیقه قرار دارد. فاصله شوشتر تا مرکز استان یعنی اهواز ۹۲ کیلومتر و تا تهران ۸۳۱ کیلومتر است.

این شهرستان از شمال به کوه های بختیاری و شهرستان دزفول، از غرب به شهرستان های دزفول و شوش دانیال، از شرق به شهرستان مسجدسلیمان، از جنوب به شهرستان اهواز و از جنوب شرقی به شهرستان رامهرمز محدود است. کوه های واقع در محدوده ی این شهرستان کم ارتفاع بوده و معروف ترین آنها عبارتند از: کوه تفت به ارتفاع ۲۰۵ متر، کوه مامازاده به ارتفاع ۲۹۳ متر، کوه جمال به ارتفاع ۴۹۴ متر و کوه سیاه به ارتفاع ۶۰۶ متر

آب رودخانه کارون به مرکز شهرستان وارد و در قسمت شمال شهر به دو شاخه به نامهای «شطیط» و «گرگر» تقسیم می شود. شهر شوشتر توسط این دو شاخه تبدیل به جزیره ای شده که اراضی آن به «میان آب» یا به لهجه ی محلی به «مینو» (Minw) موسوم است. دو شاخه ی مذکور در محلی به نام «بندقیر» در ۴۰ کیلومتری جنوب شوشتر بهم می پیوندند.» (تقی زاده ، ۱۳۷۸ ، ص ۲۲)

۲- آب و هوای شوشتر در فصول سال

شهرستان شوشتر از مناطق گرمسیری ایران است، به طوری که زمستان ها آب و هوای آن مناسب و تابستان ها گرم است.

چنانچه از آثار قدما برمی آید، گویا در گذشته های دور منطقه ی شوشتر از سرسبزی و خرمی بیشتری برخوردار بوده و با داشتن باغ های فراوان، هوایش نیز با طراوت تر از عصر حاضر بوده است. (ابن بطوطه ، ۱۳۵۸ ، ج ۱ ، ص ۲۰۱). مقدسی (۳۳۶-۳۸۰ هـ.ق) متولد بیت المقدس که در همه قلمرو کشورهای اسلامی به غیر از آندلس و سفر کرده در سال ۳۷۵ هـ.ق. کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» را که تا زمان خود مهمترین کتاب جغرافیایی در مورد ممالک اسلامی بوده نوشته است، در قسمتی از کتاب خود در خصوص شوشتر می نویسد:

«در همه ی این سرزمین [خوزستان] خوش تر و استوارتر و مهمتر از آن [شوشتر] شهری نباشد. نهر دور آن می چرخد، نخلستانها و باغها اطراف آن را فراگرفته اند، بافندگان ماهر پنبه و دیبا در آن بسیارند از همه ی شهرها برتر است، نزد جهانیان شهرت بسیار دارد و . . . باغهایش پر از اُترج (میوه ای است از جنس لیمو و عامه آن را کباد گویند. دهخدا ، ۱۳۷۳ ، زیر ترنج) و انار خوب و انگور و گلابی عالی و خرما می باشد، بهشت خوزستان است و دیبای آن را به مصر و شام برند و مردمش با خوشی روزگار می گذرانند. از میوه و دیگر خیراتش که مپرس! مرا خوش آمد، آن را پسندیدم.

از خاور و باختر به دیدارش می آیند و آبی سرد دارد که در زیرزمین آن روان است. [منظور قنات بوده است]. پلی دراز در سمت جندی شاپور با قایق ها ساخته اند و جز آن راه ندارد. بر سر پل مکان دلپذیری است که خاص رخت شویان است» (مقدسی ، ۱۳۶۱ ؛ ج ۲ : ۶۱۲ به نقل از تقی زاده ، ۱۳۸۰ : ۲۴). بهار شوشتر که طبیعی و خدادادی است و به همان وضعی که ادبای نکته سنج و شعرای باذوق درباره اش قلم فرسایی و طبع آزمایی کرده اند باقی است و همه ساله مخصوصاً در سال هایی که باران های موسمی به موقع و کافی ببارد و زمستان معتدل باشد از اواخر آذر ماه شروع شده، تا اوایل اردیبهشت ماه ادامه یافته، صحنه ی فرسوده و حومه ی خشک و دیم شوشتر را رَشکِ بهشت برین می نماید و این شعر نظامی گنجوی را به یاد می آورد که:

همه صحرا بهار شوشتری جایگاه تَدرو و کبک دری (نظامی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳)

واقعاً شوشتر در فصل بهار از حیث لطافت هوا و سرسبزی و خرمی دشت و صحرا و انبوه گل های رنگا رنگ و خودرو و نسیم معطر و نشاط انگیز بهاری با بهترین جاهای سرسبز و خرم دنیا رقابت می کند.

در داخل شهر که تا پیش از رسیدن بهار منظره ی خاک آلود و غم انگیزی دارد، با ریزش نخستین باران، در و دیوار، زمین و بام، کوچه و برزن، حاشیه و کناره ی دیوارها، روی خرابه ها و دو طرف جوی های گندیده، همه و همه زیر پوششی از سبزه پنهان می شوند. بامداد نسیم بهار وزیدن می گیرد، مرغان خوش الحان در لابه لای کشتزارها و بر شاخه های درختان و در کنار گل ها و چمن ها هر یک به نوایی سرودخوانی دارند؛ همان گونه که شعرا ریزش باران و جاری شدن سیل و جوشش مرغان و مناظر دیگر از بهار را توصیف کرده اند که یکی از نمونه های آن این بیت از شعر «در بهار شوشتر» عیدی شیرافکن از کتاب «دنگ و فنگ» است.

مَخی آی بَری لَدَتِ رُوزگار

maxi ay bari lezzate ruzegâr

سری زن به شوشتر وخت بهار(شیرافکن ، ۱۳۳۷ ، ص ۲۷).

sari zan be ŠuŠtar vaxte bohâr

ترجمه فارسی:

اگر می خواهی لذت روزگار را ببری
هنگام بهار به شوشتر بیا.

نمونه ی دیگر از ملاحسن شوشتری:

بَسکِه بَارون بی شمار اومده

baske bârune bisŠomâr umada

سوزواری آهر کنار اومده

Sowzevâri a har kenâr umada

عید گپ بین آهر دیار اومده

cêde gap bin a har diyâr umadah

مرتبه دیگه هم بهار اومده

martabe diga hām bohâr umadah

چه بهاری که بهز پار اومده(صافی ، ۱۳۴۹ ، ص ۲۳۴).

ê bahâri ke bāze pâ

ترجمه:

از بس که باران بی شمار آمده است
سرسبزی از هر گوشه و کنار آمده است.
عید بزرگ از هر دیاری آمده است
بار دیگر نیز بهار آمده است.
بهاری که از پارسال بهتر است آمده است

و عیسی سجادی در کتاب «کلپرته» در وصف بهار شوشتر می گوید:

آ شهر شوشتر چه گوؤم وا ا مینش فصل بهار

a šahre šuštar če gavom vâ owmineš fasle bohâr

که بینی سوز و خرمه زردلی و بید و کنار

ke bini sowzo xorrama zardali o bid o konâr

هر جا نشینی با صفاست، یارته هم وردار و بیار

har jâ nešini bâ safâst yâreta ham vardâro biyâr

هر که تینا اومده شوشتر، بو و سه بیقرار

har ke tēnâ umada šuštar buvessa biqarâr

کیف ای دنیا نب کنن، شوشتریون فصل بهار (سجادی، ۱۳۵۸، ص ۲۹).

kēfe i donyânab konen šušтарыun fasle bohâr

ترجمه:

از شهر شوشتر چه بگویم باید فصل بهار به این شهر بیایی
که سبزی و خرمی و زردآلو و درخت بید و کنار را ببینی
هر جای این شهر بنشینی باصفاست یار خود را هم بیاور
هر کسی به تنهایی به شوشتر بیاید آرام و قرار ندارد
شوشتری ها در فصل بهار لذت دنیا را می برند.

محمد باقر محب در کتاب «حرف حساب شوشتر» در وصف بهار شوشتر می آورد:

بهار شوشتر خیلی قشنگه

Bohâr šuštar xêli qešanga

دشت و بیابون رنگ و وارنگه

dašto biyâbun rango vâraŋga

بهار خوزسون بُوسه گل بارون

bohâre xuzessun buvessa golbârun

صفا ب دهه به ای بهار، رودخونه کارون (محب زاده ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۲۱).

Safâb daha be i bohâr rudxune kârûn

ترجمه:

بهار شوشتر بسیار زیباست

دشت و بیابان رنگارنگ است

بهار خوزستان گل باران شده است

رودخانه ی کارون به این بهار صفا می دهد.

اما آب و هوای شوشتر در تابستان بسیار گرم است و درجه ی گرما در مرداد ماه گاهی از پنجاه درجه بیشتر می شود و زمستان معتدل است. اعتدال هوا توأم با نوسان تا خرداد ماه ادامه پیدا می کند ولی درجه حرارت متغیر است و از تیر ماه که گرما شروع می شود با تغییر نوسان زیاد گاهی تا اواخر مهر ماه ادامه می یابد. برای دفع گرما و خنک کردن محل در تابستان، مردم قدیم که وسایل خنک کننده کنونی را نداشته اند، چاره اندیشی های مختلفی کرده اند.

سید عبدالله جزایری در تذکره ی شوشتر می نویسد:

«هوای آنجا [شوشتر] حار رطب است که هر دو در کیفیت موافق روح حیوانی است و رطوبت آن به اعتدال است. لیکن در بعضی از سنوات حرارت آن در فصل تموز به حد افراط می رسد و سابقاً معمول بود که منعمان اندرون های گلین بسیار مرتفع می ساختند و درها و روزن های متعدد از اطراف جهت منفذ هوا قرار می دادند و گاهی اُشترخار نیز به شبابیک آن می زدند و آب می پاشیدند و این اندرون را «گلستان» گویند و در اوقات شدت حر آنجا می غنودند و سایر الناس به شکاف های رودخانه ی دو دانگه و سایه ی چرخابها رفع آسیب گرما می نمودند و در بعضی خانه

ها قنات بود که از مافاریان [نام محلی از ساحل کارون در شمال شوشتر] آب می آورد و در زیرزمین، صفه ها و مجلسی های وسیع به دور آب می ساختند و مردم هر محله به کاریزی که داشتند اکتفا می نمودند. لیکن الحال مدت هاست که قنات همه بایر و اکثر چرخاب ها نیز بر طرف شده و خانه ی گلین منسوخ است و عمارات جدید به سنگ و آجر پخته و گچ ساخته می شوند و این باعث زیادتی اشتداد حرارت هوا گردیده است. لاجرم طننازانی که تاب گرما ندارند شوادان را اختیار نمودند و کار به جایی رسیده که کم خانه ای است که شوادان متعدد نداشته باشد» (جزایری، ۱۳۸۸، صص ۸۶-۸۷).

محمدباقر نیرومند در کتاب یادی از شوشتر می نویسد:

«شوادان که به گویش شوشتری «شوادون» گویند سرابی است عمیق که عمق آن از پنج متر تا هفت متر و بیشتر است و هوای خنکی دارد. بعضی به قدر یک اتاق معمولی و برخی دارای وسعت زیاد و حجره های متعددی می باشد» (نیرومند، ۱۳۸۴: ص ۱۴).

امروزه که وجود برق تحولی در زندگی ایجاد کرده است و در تابستان گرما بوسیله کولر رفع می شود از شوادان استفاده نمی شود.

۳- تاریخ بنای شهر شوشتر و وجه تسمیه ی آن

بانی آن بنا به گفته ی تاریخ نویسان قدیم معلوم نیست و به گفته ی بعضی دیگر: پیشینیان بنای آنرا به هوشنگ پیشدادی نسبت داده اند، که پس از طوفان نوح ابتدا شهر شوش و سپس شهر شوشتر را بنا کرده است (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱).

«ابن مقفع» در مورد تاریخ بنای شوش و شوشتر می گوید:

«اول شهری که بعد از طوفان نوح بنا نمودند شوش و سپس شوشتر بوده است» (مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۶۹، به نقل از تقی زاده، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

و همچنین صاحب «نزه القلوب» نیز در این خصوص اظهار می دارد:

«هوشنگ پیشدادی ساخت، و خراب شده بود، اردشیر بابکان تجدید عمارت آن کرد و شکلش بر مثال اسب ساخت». (نزه القلوب، چاپ بمبئی، ۱۳۱۱.ه.ق، ص ۱۶۸، به نقل از تقی زاده، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

نوشته اند که وجه تسمیه اش به شوشتر این است که شوش در لغت فرس قدیم به معنی «خوب» است و هوشنگ پس از بنا و نام گذاری شوش، به کنار کارون در محل فعلی شوشتر رسیده و موقعیت شایسته ی آنرا پسندیده و گفته است: «اینجا شوشتر (یعنی خوب تر) است» (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱).

از آثار زیرزمینی مانند کاریزها و آب رودها که گاهی هنگام پی کنی یا احداث چاه و سرداب های عمیق (شوادون) به آن می رسند، کهنگی و قدمت شهر به خوبی معلوم و محقق می شود. همچنین آثار نهرها، جوی ها و سدهای اطراف شهر که هنوز باقی است، یا بعضی سنگ بری ها و اتاقک های سنگی که در پشته ها و کوه های شمال شهر وجود دارد، دلیل دیگری بر عمر زیاد این شهر باستانی است.

«در سال های اخیر نیز مأموران و مهندسان اداره کل باستان شناسی با زدن به اصطلاح «گمانه» در حدود سه کیلومتری سمت جنوبی شوشتر، نمونه هایی از اشیای خیلی قدیمی را از زیر خاک به دست آورده اند که با بررسی و مطالعه ی باستان شناسان قطعاً تاریخ ساختن آنها که خود دلیل دیگری بر قدیمی بودن این شهر است، روشن خواهد شد. علاوه بر اینها، به گواهی تاریخ می دانیم که هنگام حمله ی اعراب مسلمان به ایران یعنی ۱۴ قرن پیش، این شهر یکی از شهرهای آباد و پراهمیت خوزستان بوده و قلعه ی سلاسل در شمال شهر، پایگاه نظامی مستحکمی بوده، که پس از فتح شهر مدتی در برابر نیروی مهاجم مقاومت کرده است و مهاجمان برای گشودن این قلعه، فعالیت زیادی کرده و تلفاتی داده اند در آن تاریخ سال ها و شاید قرن ها از عمر این قلعه گذشته بوده» (نیرومند، ۱۳۸۴، صص ۱-۲).

علامه دهخدا در لغت نامه ی خود درباره ی شوشتر می نویسد:

«شوشتر، تعریب آن تُسْتَر است. (معجم البلدان) نام شهری است در خوزستان. (برهان). لقب آن دارالمؤمنین. (فرهنگ خطی).

تُسْتَر. شُشْتَر. شهری است به خوزستان که از زمان های دیرین پیش از اسلام با قنات های متعدد خود وجود داشته است. «بَلُوشِیه» آن را در نامهای شهرهای ایران، شوشتر و بَلیناس به نام «سُسترا» ضبط نموده است. در روایات ایرانی شهر شوشتر از شهرهای بسیار قدیمی معرفی شده است. در داستان های افسانه ای بنای این شهر را به هوشنگ نسبت داده اند و گویند که نقشه ی بنای شوشتر شکل اسبی را ماند.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل شوشتر)

شوشتر در دوره های مختلف و طی قرون و اعصار مورد بازدید چند تن از جهانگردان معروف واقع شده و هر کدام به نحوی درباره ی آن اظهار نظر کرده اند. از جمله ی آنها یکی «ابن بطوطه» سیاح معروف اسلامی در قرن ششم هجری است که چنین می نویسد:

«سرانجام به شهر تستر (شوشتر) رسیدیم که در قلمرو اتابک و سرحد بین دشت و کوهستان است، تستر شهری بزرگ، زیبا، خرم و دارای پالیزهای نیکو و باغ های عالی است. این شهر محاسن زیاد و بازارهای معتبر دارد و از شهرهای قدیمی است که خالدبن ولید آن را فتح کرد. سهل بن عبدالله منسوب به این شهر می باشد. نهر معروف به آزرَق [کارون] گرداگرد تستر را فراگرفته و آب آن بسیار مصفا و عالی است. این آب در روزهای گرم تابستان سرد و خنک است و من رودخانه ای به کبودی رنگ آن ندیده ام، مگر رودخانه ی بَلْخشان. (ابن بطوطه، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۲۸۱ به نقل از نیرومند، ۱۳۸۴، صص ۲-۳).

دیگر از سیاحان «مادام دویولافوا» است که همراه شوهرش، «مارسل دویولافوا» مهندس و باستان شناس معروف فرانسوی، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از راه ترکیه و قفقاز به ایران آمده و به خوزستان نیز سفر کرده است و در سفرنامه ی خود چنین می نویسد:

«پس از چهار ساعت راه پیمایی (از دهکده ی شاه آباد که محلّ خرابه های جندی شاپور بین شوشتر و دزفول بنا شده) به قله ی کوهی رسیدیم و از یک نوع دروازه ی طبیعی که در کوهستان تشکیل یافته بود، عبور کردیم، طولی نکشید که منظره ی شهر شوشتر از دور، در افق نمایان گردید. این شهر در کنار شطّ کارون واقع شده و پلی هم دارد که در زمان سلطنت ساسانیان ساخته شده است. چون نزدیکتر شدیم، گنبدهای مینایی رنگ و بام های مخروطی شکل امام زاده ها و مناره ی شکسته ی مسجد جامع نمایان گردیدند و بالاخره قلعه ی قدیمی سلاسل هم که در طرف چپ سر برافراشته بود، نمایان شد. (دویولافوا، ۱۳۷۶، ص ۶۵۲)